

حسین معرزی نیا

hosein.mazari@ria
news.com

سفر اخیر گروهی از سینماگران ایرانی به آمریکا و مشاهده مستقیم امکانات و تجهیزات سینمای هالیوود و ملاقات با دستاورد کاران این سینما، از هر جهت اتفاق بی‌سابقه و قابل توجهی در تاریخ سینمای کشور ما به حساب می‌آید. از این هفت سینماگری که در این سفر حضور داشتند، ترجیح دادیم بارضا کیانیان گفت‌وگو کنیم تا ببینیم این سفر از زاویه دید او چه رهاوردی برای سینمای ما داشته است. گفت‌وگو با او به تجربه

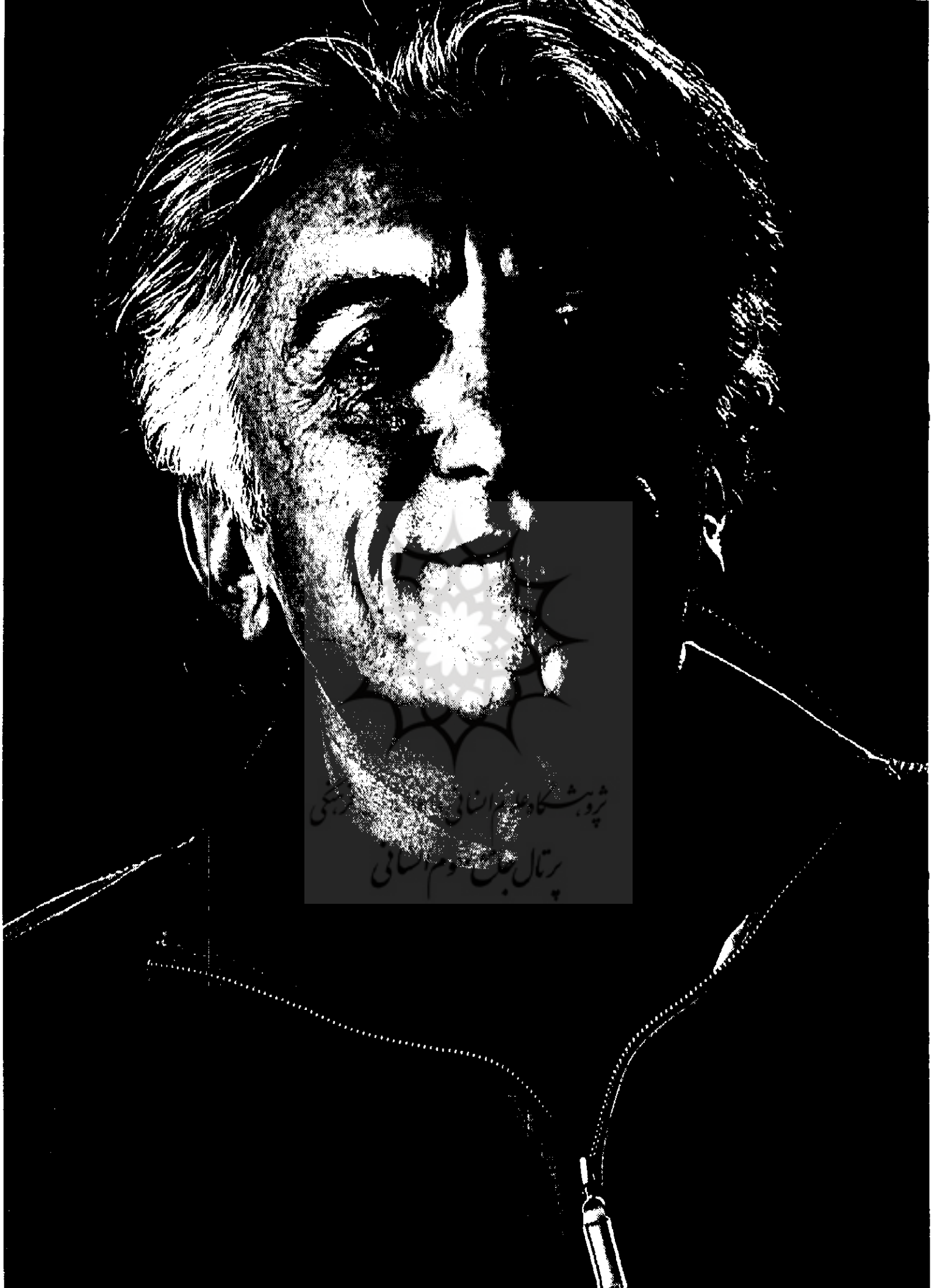
چاره‌ای جز

نداریم

دلچسپی تبدیل شد؛ نشست تلویزیونی بر سرید موضوع مصاحبه چیست و با علاقه‌مندی پذیرفت و روز و ساعتش را مشخص کرد. بدون یک دقیقه تأخیر سر قرار حاضر شد. با دقت به سوال‌ها پاسخ داد. با حوصله جلوی دوربین عکاس ما ایستاد و اجازه داد او هدایتش کند. بعد هم گفت که نیازی به تلخ زدن به از آنس ندارد و بیاده راه افتاد و همین خوش‌ویش کردن با «این مردم نازنین» ناخنده‌اش ساده رفت. وقتی متن مصاحبه را در یک روز تکمیل به آدرس ای‌میلش فرستادیم، کمتر از ۲۴ ساعت بعد، قابل تصحیح شده را بر کرداند. در حالی که حذف و اضافه‌هایش را با رنگ قرمز مشخص کرده بود تا ما متوجه شویم چه قسمت‌هایی از متن را تغییر داده. به این ترتیب مشخص شد که راحت‌تایپ می‌گردد و مشکلی برای استفاده از ای‌میل و فارسی‌نویسند ندارد. وقتی بابت همه این ویژگی‌ها از او تشکر می‌کنیم، می‌گوید قرار نیست این چیزها برای کسی مزیتی محسوب شود.

رضا کیانیان که در چند زمینه‌های متعددی دارد و فعالیت‌های متنوعی انجام می‌دهد اما بدیهی است که بیش از هر چیز به عنوان یک بازیگر شناخته می‌شود و در اغلب گفت‌وگوهای رسانه‌ای‌اش پایه‌لهر و در همین مقام به سوالاتی که از او پرسیده شده، پاسخ داده است. اما در این گفت‌وگو از او نخواستیم درباره فیلم‌هایی که روی پرده دارد مثل «ما» و «سور» حرف بزند؛ در اینجا او یکی از سینماگران ایرانی است که به نازکی باز دیدار تشکیلات بزرگ‌ترین صنعت سینمایی جهان را تجربه کرده و حالا از موضع کسی که دلش برای کلبت سینمای ایران می‌سوزد، به این جمع‌بندی رسیده که سینمای ما برای ادامه حیانتش باید جهانی شود.

عکس حامد ندیمی



پرویشکا و همسرانی
پرتال بیت دوم ساسانی

آمدن هیات آمریکایی در سال گذشته به ایران و سفر اخیر شما به آنجا و بازدید از مراکز سینمایی آنها یک جور دید و بازدید بین سینماگران دو کشور محسوب می شود یا اینکه قرار است از این سفرها برای تحقق اتفاق مشخصی در سینمای ایران نتایج کاربردی و عملی اخذ شود؟

آقای پهلوان: فکر می کنم ما به دور خودمان دیوار کشیده ایم. هر چه جهان دارد به سوی برقراری ارتباطات و وسیع تر با فرهنگ ها پیش می رود، ما بسته تر می شویم. ۶۰ سال پیش، بعضی از کشورها همین قدر بسته رفتار می کردند و ارتباطشان را با دنیا قطع می کردند اما در آن دوران ارتباطات الکترونیک این قدر وسیع و در دسترس همه نبود.

یعنی امکانش بود که بسته رفتار کرد و با جهان ارتباط نداشت. آری پهلوان: بله، آن موقع ماهواره نبود، ویدئو نبود، اینترنت نبود. تنها وسیله ارتباطی، تلفن بود که آن هم کلی مساله داشت و کار ساده ای مثل تلفن زدن به خارج از کشور، پروسه عظیمی بود. فرهنگ ها این قدر آمیخته نبودند، در حال حاضر ارتباطات جهانی شکل حیرت انگیزی پیدا کرده، در چنین وضعیتی ما نمی توانیم تنها بمانیم و ارتباط فرهنگی مان را قطع کنیم. اگر این کار را نکنیم، بزرگ نمی شویم؛ مثل آب را کد می کنیم، به نظرم هر کدام از صنوف فرهنگی باید ارتباط گسترده ای با جهان برقرار کنند تا نبوسند؛ مثل آب را کد کننده نشوند. سینما چه به عنوان هنر، چه به عنوان رسانه و چه به عنوان تجارت اگر بخواهد فقط در خودش بماند و بجزر خد، بومی گیرد و می بوسد.

البته ما به دلیل حضور در جشنواره های سینمایی، نوعی از ارتباط جهانی را داشته ایم. آری پهلوان: بله و بیش از هزار جایزه برده ایم و... اما این فقط محدود به مجامع روشنفکری بود.

و البته خیلی از اوقات هم این حضور جشنواره های محدود به یک فیلم و یک فیلمساز مشخص بود. آری پهلوان: بله، به جریان تبدیل نشد. به سینمایی که در دسترس مردم باشد کشیده نشد. البته زمانی بود که اگر در یک جشنواره، فیلمی از سینمای ایران نبود، آن جشنواره از اعتبار می افتاد. کوشش می کردند حتما یک فیلم ایرانی در جشنواره شان باشد. ولی همان دوران هم آن فیلم ها به یک جریان مصنوعی تبدیل شدند. بر کلیت این سینما تأثیر نگذاشتند. آن چیزی که در جشنواره ها انسان می دادند همه سینمای ایران نبود، بلکه شاخه ای از این سینما بود. آن شاخه چون تنها بود و ارتباط نگذاشت، با کل سینمای ایران نداشتند به سرعت فاسد می شد. کمی برداری می کردند، از روی دست هم نگاه می کردند بیبند آنها چه می بستند بعد همان را می ساختند. به اعتقاد من همان جریان اصیل جشنواره ای هم کوچکتر از آن چیزی است که در دهان ها هست. چند تاز آن فیلمسازها واقعا خوبند؟ همه آنها که خوب نیستند.

به هر حال هر کس طبق تشخیص و ذائقه خودش مساله جوایز جشنواره های سینمای ایران را تحلیل کرده. آری پهلوان: هر کدام از ما یک چیز را عمده کرده ایم. کلیت را نمی بینیم. به همین دلیل مرضی می شویم سینمای ما الان مرضی است. تناسب ندارد. فیلمی ساخته شده بود درباره



به اعتقاد من همان جریان اصیل جشنواره ای هم کوچک تر از آن چیزی است که در دهان ها هست. چند ما از آن فیلمسازها واقعا خوبند؟



مناسفانه در کشور ما از دنده دو نمی شود نندتر رفت. بی گذاریم دنده تک و بعد دو، مدیرها عوض می شوند، مانشین را عوض می کنند و بعد از مدتی روسی می کنند و بی گذارند دنده یک و بعد دوباره مدیر عوض می شود



مثل آقای کبار سنتی چند نفر دارم؟ ما که می دانیم چه نوع ارتباطاتی وجود داشته. عده ای از مسوولین ما هم جایزه گرفتن چنین فیلم هایی را توطئه می دانند. سینمای جشنواره ای ما هم تنه است.

مرغ هایی که برای کتناکی پرورش می دهند، اینها فقط ران و سینه شان را رشد می دهد و بقیه قسمت های بدنشان رشد نمی کرد چون کتناکی با همان سینه و ران سر و کار دارد. گردن و بال و کله آن مرغ بدبخت برایش مهم نیست. سینمای ما هم شبیه به همین است. یک چیزهایی در آن رشد کرده اما چیزهای دیگری هست که هرگز رشد نمی کند؛ مثلا در یک دوره ای، یک دفعه فیلم های گیشهای که فقط برای فروش ساخته می شوند رشد می کنند...

همان طور که در دوره ای، در یک سال تعداد زیادی فیلم عرفانی یا ضد قصه ساخته می شد.

آقای پهلوان: جریان سالم و یکدستی ندارد. حالا می خواهم بگویم در این ارتباطات جهانی باید وارد شویم، چه بخواهیم و چه نخواهیم. برای اینکه این سینما زنده بماند، باید وارد بازار جهانی شویم. تبعاتش را هم بپذیریم و رقابت کنیم تا یک بار برای همیشه با این وضعیت مواجعه شویم. آری پهلوان: اصلانی نتوانیم وارد این جریان نشویم. تبعاتش را همه کشورهای جهان بپذیرفتند. مثل تجارت است؛ تا وارد تجارت جهانی نشوی، بازار ندارای. ما تا وارد بازار جهانی نشویم، نمی توانیم بگوییم سینما داریم.

وارد بحثی شدید که بسیار مینایی است و البته به شدت جنجالی. حتما می دانید که بسیاری از اهل سینما در کشور ما معتقدند سینمای ایران بعد از انقلاب، به دلیل دور شدن از بازار جهانی و محصور شدن در فضای داخل کشور به شکوفایی رسید و تولد دوباره ای پیدا کرد. خیلی ها هستند که حاضرند به شدت با این حرف های شما مخالفت کنند و بگویند ورود به بازار جهانی ما را نابود خواهد کرد.

آقای پهلوان: بله، می فهمم. این دیدگاه در زمان آقای انوار و بهشتی تئوریزه شد. این دیدگاه تأثیر خوب هم داشته؛ مثلا به دلیل کنترل ورود و عدم نمایش فیلم خارجی در ایران، سینما می توانست مستقل بماند و حرف خودش را داشته باشد. این خوب است ولی از طرف دیگر این سینما که حالا نگاه ما را در خودش دارد و حرف ما را می زند، تا بازار نداشته باشد که رشد می کند. گلخانه ای می شود. آن وقت تا آن شیشه های محافظ را برداریم، می میرد. نمی تواند روی پای خودش بایستد. آن دیدگاه تا الان ادامه پیدا کرده.

به نظر شما خود آقای بهشتی و انوار جقدر در رسیدن به این وضعیت مقصر بودند؟ آری پهلوان: بزرگترین خدمت آنها این بود که از جریان موج تویی که از دهه ۵۰ سینمای ایران شکل گرفته بود، حمایت کردند و اجازه دادند به رشدش ادامه دهد. فیلم های خوبی در ادامه آن جریان ساخته شد که با شکست هم مواجه نشد. حتی پول خودش را در آورد، تماشاگر خودش را داشت و فرهنگ ساز بود.

البته اگر معتقدان به آن دیدگاه الان اینجا بودند به شما می گفتند مقررات ممیزی پیش از انقلاب اجازه می داد که سینمای ایران با فیلم خارجی رقابت کند. اما این امکان وجود ندارد. نه آن سرمایه را داریم و نه می توانیم از یک حدودی جلوتر برویم.

آقای پهلوان: چرا نتوانیم؟ مساله فقط بسکس است دیگر. غیر از این، وارد چه محدودهای نمی توانیم بشویم؟ خشونت که از همه رقم در فیلم ها پیمان داریم. اگر بحث ورود به عرصه های سیاسی باشد که در سال های پیش از انقلاب بسیار دشوار تر از الان بود. الان به خیلی از حوزه های سیاسی می توانیم وارد شویم که قبلا فکرش را هم نمی توانستیم بکنیم. اینها به نظرم بهانه است. باید کار کرد.

پس شما معتقدید سیاست های دوره آقای بهشتی و انوار اگر ادامه پیدا کرده بود، ما می توانستیم وارد بازار جهانی شویم؟

آقای پهلوان: به نظرم نگاه آن دوران، نگاه سالمی بود و اگر ادامه پیدا می کرد به بلوغی می رسید که الان جواب می داد. اما به بلوغ نرسید. مناسفانه در کشور ما از دنده دو نمی شود نندتر رفت. می گذاریم دنده یک و بعد دو، مدیرها عوض می شوند، مانشین را عوض می کنند و بعد از مدتی روسی می کنند و بی گذارند دنده تک و بعد دوباره مدیرها عوض می شوند، مانشین را عوض می کنند و بعد از مدتی روسی می کنند و بی گذارند دنده یک و بعد دوباره مدیرها عوض می شود



اگر کران بازیگر وارد سینمای ایران شود، من استقبال می‌کنم. چون رقابت بیشتر می‌شود. وقتی رقابت بیشتر می‌شود، من باید کوشش کنم خودم را بدر روز کنم و نشان دهم هنوز می‌توانم. هنوز به درد می‌خورم.

شوند پس چه کم دارم؟ آن ارتباط جهانی را یک فیلم که می‌خواهد در هالیوود اکران شود، ۲ هزار سالن در اختیار دارد. مادر اینجا خیلی که روابط خوبی داشته باشیم، ۲۵ سالن در اختیار داریم.

● والیت کیفیت بیشتر سالن‌های ما استاندارد نیست.

فقط کیفیت چند تا از این سالن‌ها قابل قبول است. در شهرستان‌ها هم که تک و توک، ما به اینها نیاز داریم تا سرمایه فیلم‌مان بر گردد. ما الان داریم فقط نوبی خودمان می‌گردیم. مثل اقلیت‌هایی که ترجیح می‌دهند مراسم خودشان را داشته باشند و با یکی از خودشان از دواج کنند و با دیگران ارتباطی نداشته باشند. خوب همیشه اقلیت می‌مانند اما سینما نمی‌تواند اقلیت بماند، باید اکثریت شود. چگونگی باید سینمای ما اکثریت شود؟

● سوال اصلی همین است چون وحشتی بین سینماگران و مدیران سینمایی ما وجود دارد مینی بر اینکه اگر به این سو برویم ممکن است نابود شویم.

همه چیز ممکن است، چون این احتمال وجود دارد پس این کار را نکنیم؟ این همان تفکر اقلیتی است. حالا که خطر وجود دارد، پس نوبی خودمان بمانیم؟

● برای بیرون آمدن از این محدوده، نگرانی‌هایی وجود دارد.

اینکه به نظر من این جور نگرانی‌ها اگر گسترش پیدا کند، حوزه‌های دیگری را هم در بر می‌گیرد؛ مثلاً بعضی از انجمن‌های صنفی ما همین حالا در مقابل ورود اعضای جدید به داخل صنفشان یک جور مقاومت دارند. فکر می‌کنند اگر یک فیلم‌بردار جدید، تدوین‌گر جدید، بازیگر جدید وارد شود، صلی‌هایتکار می‌شوند. مگر ما معتقد نیستیم که روزی ما را احدا می‌دهد؟ چه کار داریم به دیگران؟ جهان اینقدر وسیع است که هر کسی جای خودش را پیدا می‌کند. ما چرا باید خاله‌زنگ باشیم؟ اگر گردان کردان بازیگر وارد سینمای ایران شود، من استقبال می‌کنم. چون رقابت بیشتر می‌شود. وقتی رقابت بیشتر می‌شود، من باید کوشش کنم خودم را به روز کنم و نشان دهم هنوز می‌توانم. هنوز به درد می‌خورم. راحت‌ترین راه این است که چون می‌خواهیم زحمت نکشیم، در مقابل ورود تازه واردها مقاومت کنیم. آن صنفی که در مقابل ورود اعضای جدید مقاومت می‌کند، نمی‌خواهد زحمت بکشد. و به روز شود. نمی‌خواهد رقابت کند. ترس از رقابت به پوسیدگی می‌انجامد.

● شما طمعان جوری است که به این رقابت علاقه دارید.

من می‌گویم آن کاسبی که وسط بازار بورس است، در آمد بیشتری دارد. کماشای که پشت باغ سیب‌ها، علاوه بر باغ فروش بیشتری دارد تا اینکه برود جردن یک مغازه تک بزند. موارد استثنا هست اما در تک نگاه کلی آن کسی کاسبی‌اش رونق دارد که وسط بورس و در ارتباط با همه کار می‌کند. من خودم ترجیح می‌دهم پشت باغ سیب‌ها بازیگر باشم تا اینکه تنهایی در جردن کار کنم. بر همین مسأله من می‌گویم سینمای ایران باید بروی نوبی جبهانی تازه باشد. ترس ما از شکست خوردن، ترس کاذبی است. ترس سخفی است. فکر می‌کنیم کوچک هستیم. اگر کوچکی، برو خودت ابرو بزرگ کن. دنیا مال آدم‌های بزرگ است. سینمای ما امکان بزرگ شدن دارد. برای ورود به بازار جهانی باید از این پوسته در بیاییم. ما داخل این پوسته مانده‌ایم و به این تصور در مورد خودمان دامن زده‌ایم. وقتی پارسال هیأت آکادمی اسکار به دعوت خانه سینما وارد ایران شده بود، به‌طور شان این بود که دارند وارد افغانستان می‌شوند. رسانه‌های امریکا فضایی در مورد ما ساختند، که اینکه افکار می‌کردند ما عقب‌مانده‌ایم. فرق بین ما و کشورهای غربی و افغانستان را هم نمی‌فهمیدند. خوشبختانه اینها آدم‌های «باز» می‌بودند و آمادگی داشتند که تصورشان را تغییر دهند. خوشبختانه با آدم‌های فاکس‌نوز و امثال آنها طرف نبودیم که همیشه در حال تهمت‌زنی هستند...

● نسبت به ما موضع تندی دارند...

محافظة کار انشان بله، ولی اینها آدم‌های تندی نبودند. از همان اول به قول خودشان سوپر بریز شده بودند. چون می‌دیدند که همه چیز در اینجا هست، آمدند سالن‌هایی را دیدند که در زمان آقای هالییاف ساخته شده، می‌گفتند اینها عین سالن‌های امریکاست و همان امکانات را دارد. خانه سینما تجهیزات هر روز ما را نشانشان داد و خیلی تعجب کردند. در موزه سینما سابقه ۱۰۸ ساله سینمای ایران را دیدند. اینها وقتی برگشتند صدها کلمه مثبت درباره ایران گفتند و نوشتند. اینها قیمت دارد به خاطر همین کلمات مثبتی که راجع به ایران نوشته شده، کلی به نفع کشور کار کردیم. مدتی که گذشت، با همین نگاه مثبت ما را دعوت کردند.

● برای باز دید کردن شما چه جاهایی را در نظر گرفته بودند؟ به موزه‌ها رفتید یا تجهیزات فنی را نشانتان دادند؟

بعضی از استودیوها را نشانمان دادند که با شیوه تولیدشان آشنا شویم. از بعضی کمپانی‌ها بازدید کردیم، ما را بردند کارخانه دوربین‌های پانائوژن، کمپانی دالبی، سونی بیگ‌پروز،

برادران وارنر، سوال‌هایی که می‌کردیم برایشان جالب بود. تعجب می‌کردند که ما چه قدر حرفه‌ای هستیم. در دانشگاه یواس‌سی، استاد اکینگ‌شان با من در مورد بازیگری حرف می‌زد. بعد از چند سوال و جواب گفت حرف‌های شما همان بحث‌های روز ماست. گفتم خوب ما در شب زندگی نمی‌کنیم، ما هم در روز زندگی می‌کنیم! تصور شما از ما اشتباه است. وقتی گفتم من پنج تا کتاب در باره بازیگری نوشته‌ام، گفت یعنی در ایران می‌تواند درباره بازیگری کتاب نوشت؟! گفت می‌خواهم این کتاب‌ها را ببینم. گفتم فارسی است به درد شما نمی‌خورد. گفت به دست من برسان، می‌دهم ترجمه شود. ما از این طرف درها را به روی خودمان بسته‌ایم و آنها هم از آن طرف یکسره تبلیغ منفی راجع به ما دیده‌اند، در نتیجه برایشان شناخته شده نیستیم.

● ما هم با سکوت و کناره‌گیری مان اجازه داده‌ایم تصورات آنها تأیید شود.

با یک سفر کوتاه، خیلی از آن تصورات فرو ریخت. حداقل برای بخشی از سینمای امریکا این تصور فرو ریخت. آن بخش که بیشتر مربوط به آکادمی اسکار است و اصلاً هم آدم‌های کوچکی نیستند؛ کسانی هستند که در سینمای امریکا بسیار تأثیر گذارند. به نظر من همین سفری که آنها داشتند و سفر متقابل ما، نشان می‌دهد که می‌توانیم به راحتی وارد بازار جهانی شویم.

● خانه سینما برای این به تعبیر شما «ورود به بازارهای جهانی» استراتژی مشخصی طراحی کرده یا فعلاً در حال پژوهش و مطالعه است تا ببیند چه می‌شود کرد؟

خانه سینما دوست دارد این اتفاق بیفتد اما کار بسیار سختی است. هنوز نمی‌دانیم چه چیزهایی اولویت دارد؛ مثلاً وقتی دانشیم آن تفاهم‌نامه آخرمان را با اعضای آکادمی اسکار می‌نوشتیم، نمی‌دانستیم چه چیزهایی را در اولویت قرار دهیم. آنها هم نمی‌دانستند. ابتدا تصورشان این بود که قرار است کمک‌هایی به ما بکنند که بعد دیدند ما به آن کمک‌ها احتیاج نداریم. در نهایت به نتیجه خوبی رسیدیم؛ اینکه تعدادی از آنها و تعدادی از ما یک کمیته مشترک پژوهش تشکیل دهند تا فکر کنند و ببینند چه کارهایی می‌توانیم برای همدیگر انجام دهیم و از تحقیقات آن کمیته استفاده کنیم. ضمناً قرار شد تکنولوژی ترمیم فیلم‌های قدیمی را به موزه سینمای ما بدهند تا ما فیلم‌های نابود شده‌مان را بازسازی کنیم. خیلی استقبال کردیم چون این را نداریم و تکنولوژی پرخرجی است. گفتمد حاضریم در این مورد به یک سینمای ۱۰۸ ساله که جزو میراث جهانی سینمات، کمک کنیم.

● پس فعلاً قرار داد‌های مشخصی بسته نشده؟

اصلاً قرار نبود کار به امضای قرار داد برسد. می‌خواستیم ترس هر دو طرف از چنین دیدارهایی بریزد.

● بر خورد بدی که با گروه نشد؟ به خاطر همان پیش فرض‌های منفی که وجود دارد، اتفاق غیرمنتظره‌ای نیفتاد؟

میزبانان باهوشی بودند و با توجه به شرایط فعلی، تبلیغات گسترده‌ای برای رفتن منکرده بودند تا خود به خود جلوی مخلوط شدن فرهنگ و سیاست را بگیرند.



انها یک بار هم به و تمام ستر کرد ده بودند. در آنجا با کشور بدون امکاناتی مواجه شده بودند؛ مثلاً و بسیاری ها تجهیزات پیدا نداشتند. اینها برایشان امکانات دنیا فرساده بودند. اما خودشان می‌گفتند لازم نیست به شما چنین کمک‌هایی بکنم. چیزی کم ندارد



قرار شد تکنولوژی ترمیم فیلم‌های قدیمی را به موزه سینمای ما بدهند تا ما فیلم‌های نابود شده‌مان را بازسازی کنیم. خیلی استقبال کردیم چون این را نداریم و تکنولوژی پرخرجی است

من خودم را متعلق به همان سینمای موج نو می دانم. معتقدم در شرایط فعلی اگر احراز ورود فیلم خارجی هم نماند، سینما می تواند رقابت کند و مانعاً خودش را دانسته باشد. همان طور که در سال های بیس از انقلاب هم آن سینما با وجود حضور گسترده فیلم های خارجی، تأثیر خودش را گذاشت

را خوانده ایم. اطلاعات ما بود که برای آنها غافلگیر کننده بود. در کمپانی برادران وارنر که بودیم، داشتند موضوعات پیش بافتادهای را برپایان توضیح می دادند، رضامیر کریمی گفت خواهش می کنم سطح اطلاعات ما را در این حد تصور نکنید، هر کدام از ما که اینجا نشستیم تجربه ای متعده داریم و به مسائل سینما مسترسیم. ضمن اینکه از شما گله مندیم چون همیشه در فیلم هایتان، دشمن یا شرقی است یا مسلمان، یعنی به نظر شما ما دشمنان جهانیانیم؟ گفتند ما در این قضیه تجدیدنظر کرده ایم و در فیلم های جدیدمان، دشمن از سبابت دیگر می آید. گفتیم پله اما این همه فیلم داشته اند که در آنها ما را دشمن معرفی کرده اند و با این کار تا فر هنگ سازی کرده اند. می گفتند نه، نه، ما فر هنگ سازی نمی کنیم، به بازار نگاه می کنیم. گفتیم خوب، فرهنگ این بازار را هم خودتان به وجود آورده اند. خلاصه مدنی بحث کردیم تا کم موضوع شان تصحیح شد و فهمیدند ما به کل این بحث اشرف داریم. واقعا بخشی از مشکلات ما به این برمی گردد که گفت و گو نمی کنیم، چون گفت و گو نمی کنیم، سوء تفاهم به وجود می آید و این سوء تفاهم ها تبدیل به نظریه به یک چیز ارجحی می شود.

■ **باز هم به نکته بحث بر انگیزی اشاره کردید؛ یکی از مسائل اساسی ما با سینمای آمریکاست همین قضیه نگاه تحقیر آمیز آنها به فرهنگ شرقی است. البته من در این مورد با شما هم عقیده ام که گفت و گو می تواند خیلی از ابهامات را برطرف کند. حالا بعد از این سفر و مشاهداتی که داشته اید، فکر می کنید خانه سینما زورش می رسد تا تأثیر بگذارد و اهل سینما را مجاب کند که ما باید چنین ارتباطاتی را گسترش دهیم و به سوی جهانی شدن پیش برویم؟**

آری فقط امیدوارم که بشود. فکر می کنم نکته اصلی این است که ما چند سال پیش این ارتباط را نداشته ایم، یا جز آتش راندن داشته ایم. اما حالا این ارتباط را داریم. این خودش یعنی پیشرفت. من ترجیح می دهم در باره همان که هستیم حرف بزنیم. نه در باره چیزی که ممکن است بشویم. فعلا این ارتباط را داریم و این خوب است. قدم بعدی باید یک پله بالاتر باشد، نه به بلان طرفی. حرف های گذشته نزنیم.

■ **وضعیت همین لحظه سینمای ایران را چطور می بینید؟ این روزها مناقشات مختلفی در بحث اگر آن و کیفیت فیلم ها و رفع توقیف از چند فیلم وجود دارد. مدیریت سینما هم که عوض شده، فکر می کنید شرایط سینمای ایران عوض شود؟**

آری من فقط می توانم خطاب به مدیریت جدید بگویم خوش آمدید اما تو را می شناسیم و تو هم ما را می شناسی. آقای شمعقوری که اصلا همتی هری من است! وقتی با هم حرف می زنیم، منهدی حرف می زنیم. او می داند چه خبر است و من هم می دانم چه خبر است. چیزی از زبان وجود ندارد، بحث با این برادران این است که وقتی فیلم به رنگ از غوان چند سال توقیف می شود و حالا می گویند در جشنواره نداشتن می دهیم، معنی اش این است که فیلم آقای حاتم کی برای نظام ضرر نداشته. با نمایش آن، اتفاق عجیبی نمی افتد. همان موقع هم می توانستند نشان دهند. خوبی اش این بود که حساسیت بی دلیل به وجود نمی آمد. همه چیز معقول تر می شد با صد سال به این سال ها. همه فیلم های توقیف شده از همین جا اجازه ساخت گرفته اند. بخشی به یک فیلم اجازه ساخت می دهد و بخشی به همان فیلم اجازه نمایش نمی دهد! خودتان همدیگر را قبول ندارید. چطور عکس این را از ما می خواهید؟ ما شفاف بودیم چون این فیلم را تولید کردیم. شما شفاف نیستید که تکذباتید پخش شود و حالا می گویند عیب ندارد پخش شود. حرف شما را باور کنیم یا حرف آن برادر قبلی را که تکذبات این فیلم ها پخش شود؟ چرا نه دقیقه از فیلم خاک آشنایا حذف می کنید؟ مگر چه می شود آن تکه ها پخش شود؟ چیزی در آنجا گفته می شود که کسی از آن خبر ندارد؟ بچه های توی خیابان هم از آن حرف ها خبر دارند. مادر بزرگها هم ماجرا را می دانند. چرا جلوی راسی گیرید؟ فکر می کنید با حذف آنها از یک فیلم، صورت مساله در جامعه پاک می شود؟ چرا به فیلم خانه ای روی آب سیمرغ بلورین بهترین فیلم سال می دهید، جایزه بهترین فیلم دینی را می دهید، آن وقت می کشانیدش به دادگاه و در اگر آن عمومی، هفت تکه، از جمله ابات قرانی را که در فیلم تلاوت می شود، حذف می کنید؟ قیلا که کامل نشان داده بودیم و اتفاقی نیفتاد. پس ما ساده ایم و بی ریا و عفت مان جلوی شما باز است. شما هستند که باید خودتان را تصحیح کنید. ما داریم کوشش می کنیم که کارمان را بکنیم و می گوئیم برادر عزیز، اگر شما با ما بهتر و برادرانه رفتار کنید، شرایط تو، ما هم بهتر می شود. ما فرار نیست کارهای عجیبی بکنیم و حرف های عجیبی بزنیم. در کل، ما سسکلنی نمی آفرینیم. ما مملکت ایران را دوست داریم و به پیش می بریم. ما بر چه فرهنگ این کشور هستیم. هر چه این بر چه فرشته تر باشد به نفع شما هم هست.

برنامه بری شان طوری بود که با گروه های مخالف، نظام برآجه نسویم تا اسبیبی به اهداف اصلی این سفر وارد نشود.

■ **از حیاتی که قبلا به ایران آمده بود هم کسانی را در آنجا ملاقات کردید؟**

آری پله، اصلا برنامه بری سفر ما به همان ها سیرده شد. میزبانی ما با همان ها بود.

■ **فیلم هم برای تان پخش کردند؟**

آری پله، نه، این در برنامه شان نبود. فقط در استودیوی دالبی که رفتیم، فهمیدیم ترافزارهایی در دست کرده اند که می شود به کمک آنها با یک دوربین، فیلم سه بعدی را فیلم برداری کرد و با یک پرز کتسور نمایش داد. این واقعا انقلابی است در این زمینه. کار کرد این تکنولوژی را برای ما توضیح دادند که خیلی جذاب بود. با این تمهید، یک استودیوی کوچک محلی هم می تواند فیلم سه بعدی در دست کند و نمایش دهد. ترافزارشان می توانست، فیلم های قدیمی را هم سه بعدی کند و این کار را با جنگ ستارگان کرده بودند. بخشی از جنگ ستارگان را سه بعدی کرده بودند و برای ما پخش کردند. قسمت هایی هم از سرود کریمس (رابرت زمه کیس) را پخش کردند که با همین ترافزار ساخته شده است.

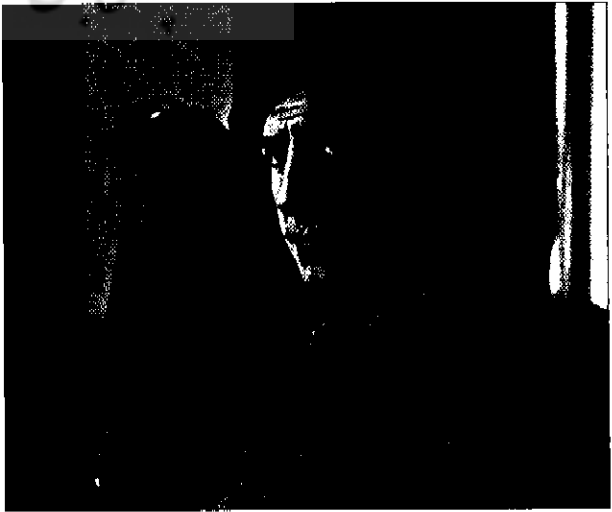
■ **فکر می کنید چنین ترافزارهایی را به ما می دهند؟**

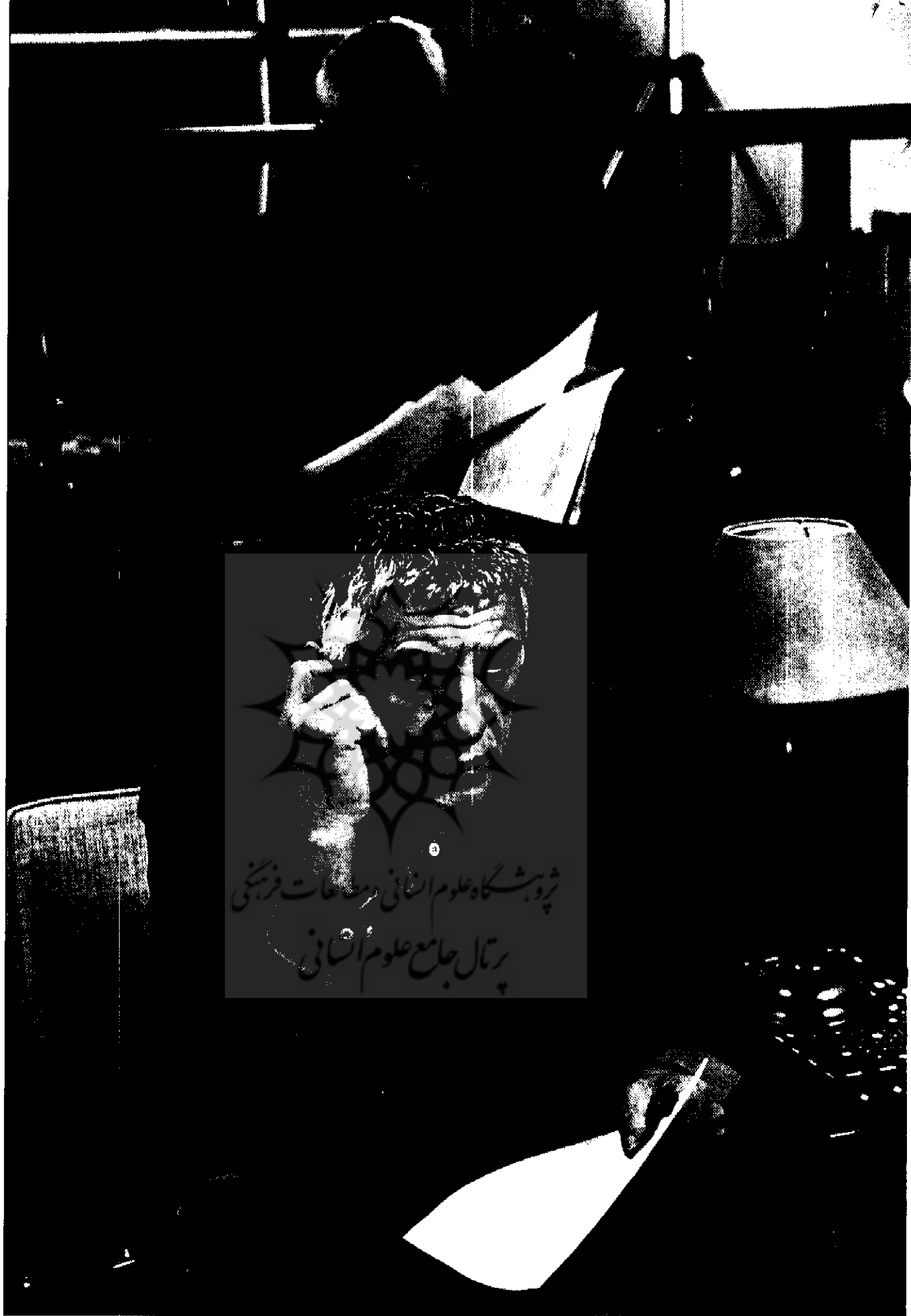
آری پله، فقط ... اخ، این نوع فیلم هزینه دارد و چون خرجش درسی آید ما سراغش نمی رویم و اگر نه بچه های خودمان در ایران می توانند این کار را بکنند. ما اگر امکانش را هم از آنها بگیریم چون بازارش را نداریم می گذاریمش در ارشو و می شود جزو خاطر اتمان.

■ **چه قدر به چیزهای غافلگیر کننده برخورد کردید؟**

آری پله، واقعا غیر از همین تکنولوژی جدید سه بعدی کردن فیلم ها که گفتیم، چیز خاصی نبود که برای ما شوکار و باشد. چون ما از وضعیت آنها با خبریم، آنها بودند که در ایران به شدت غافلگیر شدند و گرنه ما که همه فیلم های آنها را دیده ایم، پشت محنه های شان را دیده ایم و تحلیل های شان

من فقط می توانم خطاب به مدیریت جدید بگویم خوش آمدید اما تو را می شناسیم و تو هم ما را می شناسی. آقای شمعقوری که اصلا همتی هری من است! او می دانم چه خبر است و من هم می دانم چه خبر است





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی